

این نسل با ایمو جی فکر می کند

استاد علوم ارتباطات دانشگاه تهران: با جوانان امروز نمی توان از خاطره گفت، باید پادکست ساخت و ویدئو فرستاد

زیستن در لحظه حرف زدن با کد

مادر زیر لب می گوید: «نمی فهمم چی می گه... انگار به یه زبون دیگه حرف می زنه.» آن سوی دیوار، دختر نوجوانش با خستگی هدفون را در گوش می گذارد و زیر لب غر می زند: «باز شروع شد...» در این گفت و گوی نیمه کاره، نه کسی فریاد می زند، نه کسی قهقار می کند، اما دیواری شفاف میان دو دنیا کشیده شده؛ دنیایی که در آن زبان، نه فقط ابزار ارتباط که خود مسئله شده است. شکاف میان نسل ها همیشه بوده، اما این بار، زبان دیگر فقط نشانه تفاوت نیست، خودش تفاوت می سازد.

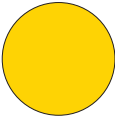
نسل (Z) در جهانی متولد شده که فناوری و سرعت، تنفس روزمره اش را شکل می دهند. واژه ها در این دنیا کوتاهند، کد شده اند، به تصویر بدل شده اند و گاه تنها با یک ایمو جی پایان می یابند. آن ها با گوشی هوشمند به دنیا آمده اند، با اینترنت رشد کرده اند و با پلتفرم هایی مانند تیک تاک و اینستاگرام اجتماعی شده اند. زبان شان مثل زندگی شان فشرده، چندلایه و گاه برای بیگانه ها مبهم و حتی بی ادبانه به نظر می رسد. وقتی مادر از فرزندش می خواهد که چیزی را درست بگوید، او شاید در دل می پرسد که مگر اشتباهی گفته در ذهن او، «LOL» می تواند التیامی باشد بر لحظه ای سخت و یک جمله کوتاه مثل «فازش چیه؟»، تلاشی برای معنا دادن به یک احساس پیچیده.

اما واری کلمات، موضوع چیز دیگری است. جامعه شناسانی مثل بی. بروردو از «سرمایه زبانی» حرف می زنند؛ اینکه هر سبک گفتار، حامل یک نوع قدرت است. وقتی دو نسل با دو زبان متفاوت سخن می گویند، عملاً در دو میدان قدرت جدا زندگی می کنند. نسل قدیم با زبان رسمی، جمله های بلند و ارجاع به گذشته ای که برایش معنا داشته و نسل جدید، با کدهایی که فقط میان خودشان معنا دارد.

دکتر فاضلی اشاره می کند نسل (Z) در جهانی سیال و بی قطعیت زیسته؛ دنیایی که در آن قطعیت ها فروپاشیده اند و زبان رسمی دیگر مرجع نیست. آن ها زبان را می سازند، تغییر می دهند، بازی می کنند و با آن مرز می کشند. گاهی حتی برای محافظت از خود. این زبان، زبان اعتراض هم هست؛ اعتراض به در کشیدن، به شنیده نشدن، به جهانی که انگار حرف هایشان را جدی نمی گیرد.

نسل قبل هم حق دارد. وقتی متوجه نمی شود، نمی تواند اعتماد کند و بی اعتمادی راه هر گفت و گویی را می بندد. اما در دنیایی که همه چیز به سرعت تغییر می کند، شاید راه حل نه بازگشت به گذشته بلکه یاد گرفتن زبان آینده باشد؛ نه برای سلطه یا کنترل بلکه برای ارتباطی تازه. باید یاد بگیریم که گاهی ایمو جی هم می تواند «دوست دارم» را منتقل کند و سکوت هم معنایی دارد.

شکاف زبانی، نشانه شکاف در تجربه است. اما هنوز می شود پلی زد. نه با ترجمه صرف، که با همدلی. به گوش دادن بی پیشداوری. با پذیرفتن اینکه زبان تنها یک ابزار نیست بلکه گاهی خود تجربه است. و اگر بخواهیم بفهمیم، شاید باید اول، زبان «چگونه گفتن» را بشنویم، نه فقط «چه گفتن» را.



سمیرا مرادی

روزنامه نگار

“

نسل (Z) با زبانی نوآورانه و سریع، که پر از ایمو جی گیف و اختصارات است، ارتباط برقرار می کند؛ شکافی که نه تنها گفتار بلکه حافظه تاریخی و سنت های فرهنگی را به چالش کشیده است

نسل (Z) در میانه انقلابی زبانی ایستاده که نه تنها واژگان بلکه بنیان های ارتباط انسانی را زیر و رو کرده است. این نسل که در جهانی آکنده از رسانه های اجتماعی و فناوری دیجیتال متولد شده، به زبانی سخن می گوید که برای پیشینیانش ناآشناست؛ زبانی از ایمو جی ها، گیف ها و اختصارات که سرعت را به عمق ترجیح می دهد. این شکاف گفتمانی، فراتر از یک ویژگی جوانی، نشانه تحولی عمیق است که پرسش هایی اساسی را پیش می کشد: آیا این گسست زبانی حافظه تاریخی ما را به نابودی می کشاند یا می تواند زبانی مشترک برای عصر دیجیتال خلق کند؟ برای کندوکاو این موضوع، با رضا کیمیایی، دکترای علوم ارتباطات و پژوهشگر رسانه، به گفت و گو نشستیم. دیدگاه های او، ریشه های این تحول و پیامدهای آن را برای میراث جمعی ما روشن می کند.

کیمیایی معتقد است که شکاف زبانی میان نسل (Z) و نسل های پیشین، پدیده ای تازه نیست بلکه با سرعتی بی سابقه رخ داده است. او می گوید: «در طول تاریخ، هر نسل با گذر زمان زبان را بازسازی کرده است.» گفتار پدران و فرزندان همیشه متفاوت بوده، حتی بدون تأثیر فناوری. به گفته او، بدون فناوری، این تغییرات شاید ۱۵ تا ۲۰ درصد از تحولات زبانی را شامل می شد؛ تغییری تدریجی که ریشه در دگرگونی های فرهنگی و اجتماعی داشت. اما ظهور ارتباطات دیجیتال -گوشی های هوشمند، شبکه های اجتماعی، پیام رسان ها- این روند را به شدت تسریع کرده است. کیمیایی توضیح می دهد: «فناوری مانند کاتالیزور عمل می کند و سرعت و گستره تغییرات زبانی را افزایش می دهد.» رسانه های جمعی و پلتفرم های دیجیتال، نسل ها را در لحظه به هم متصل می کنند، اما واژگان و شیوه های بیان جدیدی را نیز معرفی می کنند که از گفتار سنتی پیشی می گیرند. نتیجه، نسلی است که به زبانی مسلط است که برای والدینشان غریب می نماید، زبانی ریشه دار در فوریت تعاملات آنلاین.

فناوری و تحول زبان

پیامدهای این شکاف فراتر از گفت و گوهای روزمره است و به چگونگی حفظ تاریخ جوامع ضربه می زند. کیمیایی صریح است: «وقتی نسل (Z) با ایمو جی ها و اصطلاحات بیگانه ارتباط برقرار می کند، فاصله با فرهنگ ما عظیم است.» او به یاد می آورد که در نوجوانی اش، جوانان از شعر، ضرب المثل و ارجاعات تاریخی برای ابراز هویتشان استفاده می کردند. مطالعه ارزش بود و گذشته گنجی گرانبها. اما امروز، او تأسف می خورد: «احساسات، غم، شادی، نوستالژی - به یک ایمو جی تقلیل یافته اند.» این زبان فشرده، هر چند کارآمد، فاقد عمقی است که برای حفظ سنت های شفاهی لازم است.

او می گوید: «در جهانی از ایمو جی ها و اصطلاحات

غیربومی، صحبت از تاریخ شفاهی شاید خنده دار باشد.» این نسل، به گفته او، نمی تواند حافظ تاریخ شفاهی باشد، مگر اینکه از ابزارهای خودشان علیه این روند استفاده شود.»

کیمیایی پیشنهاد می دهد: «تولید پادکست، ویدئوکست، انیمیشن و فیلم درباره گذشته می تواند اسنادی برای حفظ فرهنگ و میراث باشد.» این ابزارها می توانند ارزش ها و تاریخ را با زبان فناوری به نسل جدید منتقل کنند. او تأکید می کند که این رویکرد نیازمند خلاقیت است: «باید با همان ابزاری که این نسل را از ما دور کرده، به آن ها نزدیک شویم.» پادکست ها می توانند داستان های گذشته را با فرمتی مدرن روایت کنند و فیلم ها و سریال های تاریخی می توانند تصاویر زنده ای از میراث فرهنگی ارائه دهند. این استراتژی، به گفته کیمیایی، می تواند شکاف را به پلی برای انتقال دانش تبدیل کند.

شبکه های اجتماعی و گفتمان

نسل (Z)، به گفته کیمیایی، بیش از هر چیز تحت تأثیر شبکه های اجتماعی است. آن ها در فضایی دوسویه و چندسویه ارتباط برقرار می کنند که گفت و گو را به



پیام های متنی، گیف ها و ایمو جی ها کاهش داده است. او می گوید: «شبکه های اجتماعی به آن ها آموخته اند که چت کردن راحت تر از گفت و گو است.» این نسل خلاصه نویسی را آموخته و احساساتش را با نمادهای دیجیتال بیان می کند.

کیمیایی این را «آفت شبکه های اجتماعی» می نامد و گوشی هوشمند را «فرزند ناخلف ارتباطات» می خواند. اینجاست که شکاف زبانی عمیق تر می شود: والدین نمی توانند با فرزندانشان گفت و گوی کلامی برقرار کنند، اما همان فرزندان ساعت ها با دوستانشان در شبکه ها تعامل دارند. کیمیایی تأکید می کند: «برای نسل (Z)، تاریخ شفاهی اهمیتی ندارد. آن ها معتقدند همه چیز را می توان دانلود کرد.» این نسل، که او آن را «فرزند زمانه» و در مسیر «بات شدن» می بیند، دغدغه تولید محتوای فرهنگی برای آیندگان ندارد.

او می افزاید: «این نسل در لحظه زندگی می کند، نه در گذشته یا آینده.» این دیدگاه، به گفته کیمیایی، ریشه در فرهنگ دیجیتال دارد که فوریت و دسترسی آسان را بر تأمل و ماندگاری ترجیح می دهد. با این حال، او معتقد است که ویژگی های این نسل - مانند آزادی

بیان و رقابت پذیری - می تواند برای بازتعریف تاریخ شفاهی به کار گرفته شود، به شرطی که ابزارهای مناسب به کار روند.

وظیفه حفظ میراث گذشته

کیمیایی معتقد است نمی توان برای انتقال میراث فرهنگی به نسل (Z) یا نسل آلفا تکیه کرد. او می گوید: «دغدغه آن ها چیز دیگری است. دوست صمیمی شان رباتی است که فیلم و موسیقی دانلود می کند و حتی سؤالات کنکور را حدس می زند.» زبان این نسل، زبان فناوری است و شکاف زبانی دغدغه ای نیست که آن ها به آن اهمیت دهند. این وظیفه، به گفته او، بر دوش نسل های پیشین است - «نسل سوخته و فراموش شده» که هنوز به میراث فرهنگی اهمیت می دهند.

کیمیایی پیشنهاد می دهد: «باید برنامه هایی به زبان نسل جدید نوشته شود که فرهنگ، شعر، سینما و تئاتر را حفظ کند.» مصاحبه با بزرگان فرهنگی، تولید محتوای جذاب برای نسل (Z)، و استفاده از نظریه های جدید ارتباطی، راه هایی برای زنده نگه داشتن گذشته با ابزارهای مدرن است. او تأکید می کند: «هیچ پیشرفتی بدون حفظ اصالت ارزش ندارد.» به گفته او، این کار نیازمند بازتعریف ارزش هاست: «باید مصاحبه با چهره های فرهنگی و علمی را به یک ارزش تبدیل کنیم.» او همچنین بر اهمیت استفاده از فناوری های نوین تأکید دارد، از هوش مصنوعی برای تولید محتوا گرفته تا پلتفرم های استریمینگ برای انتشار آن. این رویکرد، به گفته کیمیایی، می تواند گذشته را در قالبی امروزی به نسل های جدید معرفی کند.

جسارت نسل جدید

کیمیایی تفاوت های میان نسل (Z) و نسل های پیشین را چنان عمیق می داند که گویی این نسل از سیاره ای دیگر آمده است. او می گوید: «نسل ما اهل صبر، ساختن و سوختن بود. اما نسل (Z) اهل عصیان و فریاد است.» این نسل جسارت و شجاعتی دارد که نسل های پیشین فاقد آن بودند. آن ها جنبش های اجتماعی نوینی مانند حقوق زنان، محیط زیست و آزادی را دنبال می کنند - کارهایی که «نسل ترسوی ما» نتوانست انجام دهد. این شکاف نه تنها زبانی، بلکه محتوایی، جسارتی و اعتراضی است. نسل (Z)، به گفته کیمیایی، با زبان و رویکردی متفاوت، جهانی را می سازد که هم تهدیدی برای میراث گذشته است و هم فرصتی برای بازتعریف آن. او می افزاید: «این نسل می تواند با همان جسارت، تاریخ را بازنویسی کند، اما نه به شیوه ما.» او معتقد است که اگر بتوانیم این انرژی را هدایت کنیم، نسل (Z) می تواند نه تنها حافظ میراث، بلکه خالق روایت های جدیدی باشد که با جهان مدرن همخوانی دارد.

گسست زبانی و خطر فراموشی هویت

شکاف زبانی میان نسل ها نه تنها ارتباط را دشوار می کند بلکه زنجیره انتقال تاریخ شفاهی، از خاطرات جمعی تا داستان های خانوادگی را در معرض گسست و فراموشی قرار می دهد

تاریخ شفاهی؛ پلی از گذشته به حال

تاریخ شفاهی، مجموعه ای است از روایت های شخصی، خاطرات جمعی، داستان های خانوادگی، سنت ها، مثل ها، اشعار محلی و تجربه های زیسته در بسترهای تاریخی گوناگون که به صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. این گنجینه نانوشته، بخشی از هویت فردی و جمعی ما را شکل می دهد و ما را با تاریخ، فرهنگ و مفاهیم نیاکان مان پیوند می زند. آنچه در تاریخ شفاهی برجسته می شود، جنبه های عاطفی و انسانی تاریخ است؛ چیزهایی که شاید در اسناد مکتوب و رسمی، کمتر نمود یابند.

چگونه فراموش می شویم

پیوند میان شکاف زبانی و زوال تاریخ شفاهی، در این واقعیت نهفته است که بستر اصلی انتقال این میراث، «گفت و گو» و «شنیدن» است. هنگامی که زبان مشترک میان نسل ها برای ارتباطی عمیق و معنادار تضعیف می شود، زنجیره انتقال تاریخ شفاهی نیز در معرض گسست قرار می گیرد. نسل جوان، ممکن است با اصطلاحات، کنایه ها، ضرب المثل ها یا حتی نحوه ی بیان نسل های گذشته - که ریشه در زیست فرهنگی و تاریخی دارد - بیگانه باشد. در برابر، نسل های پیشین نیز ممکن است زبان نسل جدید را سطحی، غیرمؤدبانانه یا حتی بی اهمیت تلقی کنند.

از دست رفتن ارجاع های فرهنگی و تاریخی، چالش دیگری است که باید به آن پرداخت. بخش بزرگی از تاریخ شفاهی به رویدادها، شخصیت ها و شرايطی بازمی گردد که نسل های پیشین آن را تجربه کرده اند. اگر نسل جدید با زبان و بافت فرهنگی آن دوران آشنایی نداشته باشد، نه تنها

ارزش این روایت ها را درک نمی کند، بلکه در مسیر انتقال، بسیاری از مفاهیم دچار خلل و تحریف می شوند. هر زمان که گفت و گویی عمیق به دلیل مانع زبانی شکل نمی گیرد یا روایتی به درستی فهمیده نمی شود، قطعه ای از پازل تاریخ شفاهی در معرض گم شدن قرار می گیرد.

راه هایی برای عبور از شکاف زبانی

حفظ گنجینه تاریخ شفاهی در برابر شکاف زبانی، نیازمند تلاشی دو سویه و آگاهانه است. نسل جوان می تواند با کنجکاوی، صبوری و انگیزه در فهم واژگان، اصطلاحات و روایت های نسل پیشین بکوشد. پرسیدن، شنیدن و ابراز علاقه، گام هایی مهم برای تقویت این پیوند است. در سوی دیگر، نسل های مسن تر باید بپذیرند که زبان، دستخوش تغییر است؛ آن ها می توانند با زبانی ساده تر و توضیحاتی روشن تر، تجربیات و مفاهیم را برای نسل جوان قابل فهم کنند. همچنین استفاده از ابزارهای نوین همچون ضبط صدا و تصویر، بهره گیری از پلتفرم های اجتماعی برای بازنشر گزینش شده خاطرات، و یافتن موضوعاتی که برای هر دو نسل جذاب و قابل اشتراک باشند، می تواند مسیری برای گفت و گویی سازنده بگشاید. تشویق نسل جوان و پژوهشگران به ثبت تاریخ شفاهی، چه در قالب نوشتاری، چه صوتی یا تصویری، گامی است حیاتی برای تداوم این میراث، حتی اگر مانع زبانی در گفت و گوی مستقیم وجود داشته باشد. شکاف زبانی میان نسل ها، واقعیتی انکارناپذیر است و تأثیر آن بر انتقال تاریخ شفاهی، جدی و ژرف. تنها از رهگذر درک این چالش، تلاش برای برقراری ارتباط مؤثر، گوش دادن فعال و یافتن زبانی مشترک است که می توان از فراموشی ریشه ها جلوگیری کرد. این، وظیفه ای انسانی است؛ چرا که درک متقابل و حفظ گفت و گو، کلید صیانت از هویت فرهنگی و تاریخی ماست.